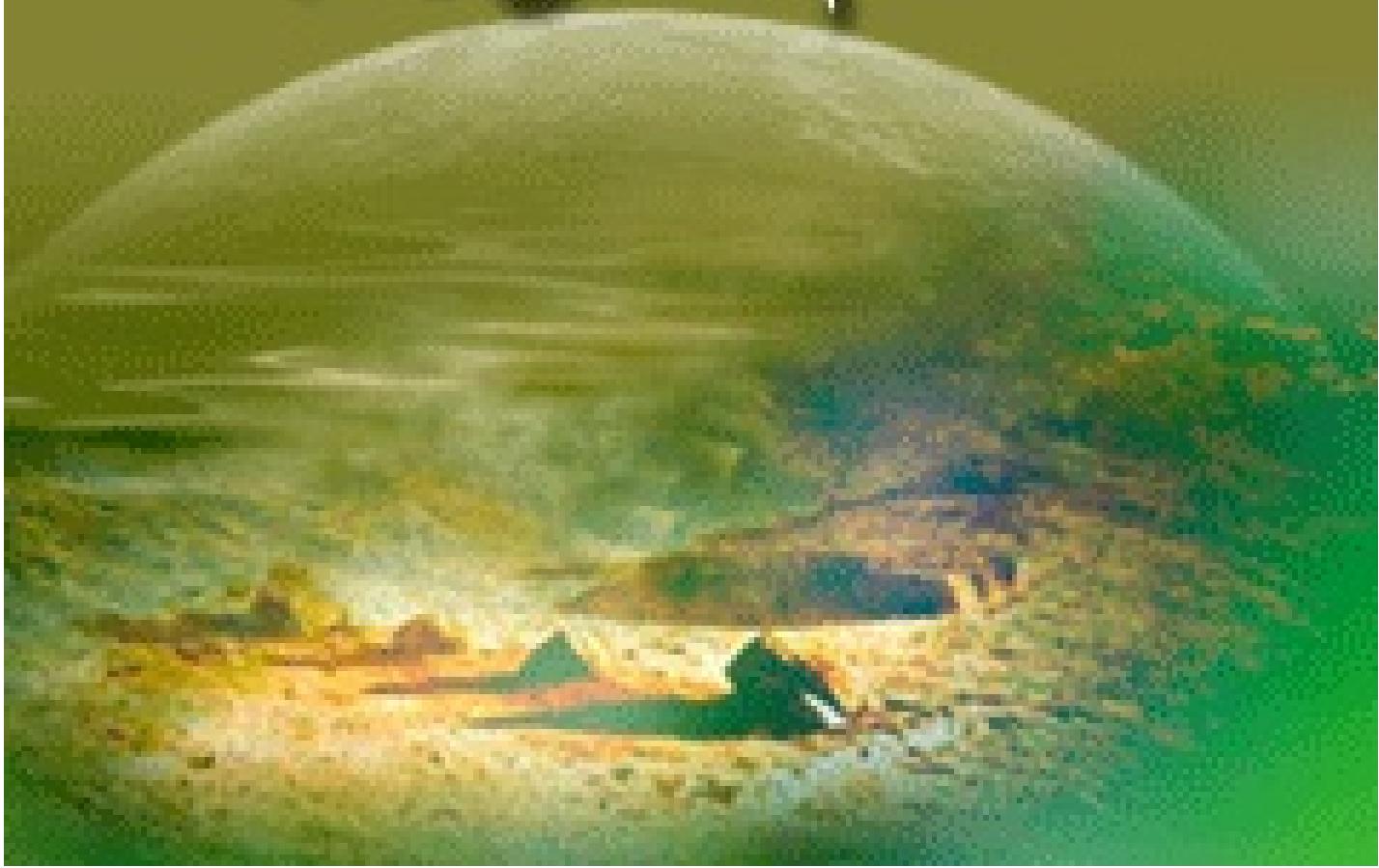


اماکان اهل بیت علیهم السلام
در گفتار اهل سنت

اماکن صادق علیهم السلام



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت قسمت مربوط به امام صادق علیه السلام

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست

۵	امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
۸	مالک بن انس (۹۰ - ۱۷۴ ه)
۱۰	ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۸۰ - ۱۵۰ ه)
۱۲	عبدالله بن المتفع (۱۰۹ - ۱۴۵ ه)
۱۲	عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵ ه)
۱۲	ابوالحارث اللیث بن سعد (۹۴ - ۱۷۵ ه)
۱۴	عمرو بن ابی المقدام
۱۴	سفیان بن سعید الشوری (متوفی ۱۶۱ ه)
۱۴	ابن حجر عسقلانی (۷۳۳ - ۸۸۲ ه)
۱۴	منصور دوایقی دومین خلیفه ی عباسی
۱۵	عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷ ه)
۱۵	ابن حجر هیثمی (متوفی ۹۷۳ ه)
۱۵	احمد بن عبدالله ابونعیم (۴۰۲ - ۳۳۴ ه)
۱۶	عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ ه)
۱۶	عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ ه)
۱۶	کمال الدین محمد بن طلحه ی شافعی (متوفی ۶۲۵ ه)
۱۸	احمد بن محمد ابن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ ه)
۱۹	محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ ه)
۱۹	محمد بن ادريس الحنطلي (ابوحاتم الرازی) (متوفی ۲۷۷ ه)
۱۹	عبدالله بن اسعد الیافعی (۷۵۵ - ۶۹۸ ه)
۲۱	محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ - ۴۶۷ ه)

- ٢١ ----- محمد بن طاهر بن علي، المقدسي (متوفى ٥٠٧هـ)
- ٢٢ ----- عطار نيسابوري (٦٢٧ - ٥١٣هـ)
- ٢٤ ----- عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (متوفى ٨٠٨هـ)
- ٢٤ ----- فضل الله بن روزبهان خنجي اصفهاني (م ٩٢٧)
- ٢٨ ----- حافظ حسين كربلاي تبريزى (م ٩٩٤)
- ٣٠ ----- احمد بن يوسف القرمانى ابوالعباس (متوفى ١٠١٩)
- ٣١ ----- جمال الدين الداوردى
- ٣١ ----- سيد امير على هندي
- ٣٢ ----- ابوالمظفر يوسف شمس الدين
- ٣٢ ----- شيخ ابوعبدالرحمن السلمى (متوفى ٤١٢هـ)
- ٣٢ ----- احمد حسن الباقيوى
- ٣٢ ----- شهاب الدين محمد بن احمد الاشهى (متوفى ٨٥٠هـ)
- ٣٣ ----- محمد أمين البغدادى السويدى (متوفى اوائل قرن سيزدهم)
- ٣٤ ----- عبدالحى بن العماد الحنبلى (متوفى ١٠٨٩هـ)
- ٣٤ ----- عبدالرحمن الشرقاوى
- ٣٦ ----- شيخ يوسف بن اسماعيل النهايني (١٣٥٠ - ١٢٦٥)
- ٣٦ ----- شيخ محمد بن علي بن زين العابدين مناوي قاهري شافعى (١٠٣١ - ٩٥٢هـ)
- ٣٧ ----- عبدالعزيز سيد الأهل
- ٤٠ ----- احمد عبدالجود الدومى
- ٤٠ ----- صالح بن محمد الحجازى
- ٤٢ ----- احمد بن تيميه الحرانى (متوفى ٧٢٨هـ)
- ٤٢ ----- يوسف بن تعربى بردى بن عبدالله الظاهري الحنفى ابو المحاسن جمال الدين (٨٧٤ - ٨١٣هـ)
- ٤٣ ----- مير شمس الدين محمد سامي الارنبارى الرومى (متوفى ١٣٢٢هـ)
- ٤٤ ----- على بن سلطان محمد الھروي القارى الحنفى (نورالدين) (متوفى ١٠١٤هـ)
- ٤٤ ----- خيرالدين الزركلى
- ٤٥ ----- سيد مؤمن بن سيد حسن مؤمن شبلنچي شافعى (متولد ١٢٥٠هـ)

- ۴۵ ----- محمد بن عبدالباقي زرقانی (متوفی ۱۱۲۲ھ)
- ۴۵ ----- عبدالله شبراوی قاهری شافعی (متوفی ۱۱۷۲ھ)
- ۴۶ ----- محمد بن محمد بن علی، شافعی جزری (متوفی ۸۳۳ھ)
- ۴۷ ----- دکتر احمد امین مصری (معاصر)
- ۴۷ ----- السید محمد صادق
- ۴۷ ----- بطرس بن بولس البستانی مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)
- ۴۹ ----- دکتر کامل مصطفی شیبی (معاصر)
- ۵۰ ----- پاورقی
- ۵۵ ----- درباره مرکز

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت / تحقیق و نگارش داود الهامی ، - ۱۳۱۶

مشخصات نشر: مکتب اسلام ، ۱۳۷۷

مشخصات ظاهربی: ص ۵۲۸

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۹۱۵۵۰-۱۲۵۰۰ ۷-۰-۹۱۵۵۰-۱۲۵۰۰ ریال ؛ ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۹۱۵۵۰-۱۲۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: ائمه اثنا عشر -- فضائل

موضوع: ائمه اثنا عشر -- احادیث اهل سنت

رده بندی کنگره: BP۳۶/۵ /الف ۱۷ الف ۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۹۰۵

فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

مالک بن انس (۵۹۰-۱۷۴)

فقیه معروف مدینه و امام مذهب مالکی از مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت و کتاب «الموطأ فی الفقه الأحمدی» که اساس مذهب مالکی و یکی از صحاح سنه اهل سنت است، از تأییفات او است، او درباره‌ی امام صادق علیه السلام گفته است:

«جعفر بن محمد اختلفت اليه زمانا فما كنت أرها الا على احدى ثلات خصال: اما مصل، واما صائم واما يقرء القرآن [۱] واما رأت عين ولاما سمعت اذن ولا خطر على قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد الصادق علما وعباده وورعا» [۲].

«مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم او را پیوسته در یکی از سه حالت دیدم: یا در حال نماز بود و یا در حال روزه و یا این که مشغول قرائت قرآن بود. مردی افضل و برتر از جعفر بن محمد صادق علیه السلام از نظر علم و عبادت و تقوا هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلبی خطور نکرده است».

«كنت آتني جعفر بن محمد و كان كثير التبسم فإذا ذكر عنده النبي اخضر و اصفر و ما رأيته قط يحدث عن رسول الله صلى الله عليه و آله الا على طهاره [٣] ولا يتكلم فيما لا يعنيه و كان من العباد و

«نَزَدْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ مَّا آمِدَمْ أَوْ هَمُوا رَهْ تَبَسَّمِي بِرْ لَبْ دَاشَتْ هَرْ وَقْتَ نَامْ مَبَارِكَ پِيَامْبَرْ نَزَدَ أَوْ بَرَدَهْ مَى شَدَ، رَنْگَشْ دَگَرْ گُونْ گَاهِي زَرَدَ وَ گَاهِي سَبَزَ مَى شَدَ وَ هَرْ گَزْ بَدونَ وَضُو حَدِيثَ اَزَ»

[صفحه ۳۴۴]

رسول خدا نقل نمی فرمود. درباره‌ی چیزی که فائده نداشت، صحبت نمی کرد. او از عباد و زهادی بود که از خدا می ترسند».

گویند وقتی «انس» احادیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کرد، می گفت: موئیق ترین و معتبرترین مردم «جعفر بن محمد علیه السلام» به من فرمود [۵].

ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰ - ۸۰)

«ابوحنیفه» معروف به «امام اعظم» امام مذهب حنفی، یکی از مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت درباره‌ی امام صادق علیه السلام چنین می گوید:

«ما رأيت أفقه من جعفر بن محمد لما أقدمه المنصور بعث إلى فقال: يا أبا حنيفة إن الناس قد افتنوا بجعفر بن محمد فهبيء له من المسائل الشداد فهيا لها اربعين مسألة ثم بعث إلى أبو جعفر وهو بالحيرة فاتيته فدخلت عليه و جعفر بن محمد جالس عن يمينه، فلما ابصرت به دخلتني من الهيبة لجعفر بن محمد الصادق ما لم يدخلني لأبي جعفر، ...» [۶].

«من هر گز فقیه تراز جعفر بن محمد ندیده ام. چون «منصور» خلیفه‌ی عباسی به این حدود آمد، دنبال من فرستاد و گفت: مردم به جعفر بن محمد علیه السلام علاقمند شده اند میل دارم برای او مسائلی که بسیار مشکل باشد، در نظر بگیری. من هم چهل مسأله از مسائل مشکل را جمع آوری کردم بعد منصور که در «حیره» بود، به دنبال من فرستاد و به نزد او رفتم. و داخل مجلس شدم دیدم جعفر بن محمد طرف راست او نشسته است و چون نظرم

به او افتاد هیبت جعفر بن محمد علیه السلام بیش از منصور وجودم را فرا گرفت و سلام کرد. منصور محلی را به من نشان داد نشستم سپس رو به جعفر بن محمد علیه السلام کرد و گفت: یا ابا عبدالله این مرد «ابوحنیفه» است.

[صفحه ۳۴۵]

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: بلى او را می شناسم. سپس منصور به من گفت: ای ابوحنیفه از مسائلی که داری بر ابو عبدالله عرضه کن من یک یک آن مسائل را طرح کردم و او جواب می داد و می گفت: شما در این مسئله این طور می گویید و اهل مدینه این طور و ما این طور می گوئیم، در بعضی از مسائل ممکن است تابع شما و در بعضی دیگر نظر اهل مدینه را پذیریم و احياناً ممکن است مخالف نظر یکی از شما و اهل مدینه یا هر دو شویم. من تمام آن چهل مسئله را طرح کردم و حتی یکی از آنها را بلا جواب نگذارد».

«ثم قال ابوحنیفه: السنّا روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس»؟

«سپس ابوحنیفه گفت: مگر نه آن است که هر کس به اختلاف آرای مردم آگاهتر است اعلم مردم است!؟».

«ابوحنیفه» می گوید:

«لو لا السنّان لهلك نعمان»: «اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می شد».

«هذا ابوحنیفه و هو من أهل السنّه يفتخر و يقول بأفصح لسان لو لا السنّان لهلك نعمان».

«آلوسی» می گوید: «این امام اعظم ابوحنیفه است که افتخار می کند و با زبان فصیح می گوید: اگر آن دو سالی که در خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشستم، نبود نعمان بن ثابت - یعنی خودش - هلاک

عبدالله بن المتفق (۱۴۵ - ۱۰۹) ۵

«ابن متفق»، از مشاهیر ادب و فصاحت با این که از شهر «مرو» از بلاد فارس بود، ولی به هر دو زبان فارسی و عربی در نهایت فصاحت و بلاغت سخن می راند، رسائل و منشآت وی ما بین منشیان عرب مشهور و حکم و امثال

[صفحه ۳۴۶]

و کلمات حکیمانه ای از وی مأثور است او کتابهای زیادی از پارسی به عربی ترجمه کرده و به همین دلیل از مترجمین معروف عرب به شمار می رود. او درباره ای امام صادق علیه السلام می گوید:

«لا- واحد من هؤلاء - مشيرا الى الذين يطوفون حول البيت - يستحق اسم انسان الى هذا الشيخ الجالس - و اشار الى الامام الصادق علية السلام - اما غيره فرعاح و بهائم» [۸].

«کسی از این مردم (اشاره به مردمی که در حال طواف بودند کرد) شایسته‌ی لقب انسانیت نیست جز آن پیرمردی که نشسته است، (اشاره به امام صادق علیه السلام کرد)».

عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵) ۵

«ابن ابی العوجاء» از زنادقه و ملاحده‌ی عرب عهد امام صادق علیه السلام و از شاگردان «حسن بصری» بود. درباره ای امام صادق علیه السلام می گوید:

«ما هذا ببشر و ان كان فى الدنيا روحانى يتجسد اذا شاء و يتروح اذا شاء فهو هذا و أشار الى الصادق علية السلام» [۹] این - امام صادق - بشر نیست.

«اگر در دنیا کسی وجود داشته باشد که بتواند هر وقت خواست در قالب جسد و هر وقت خواست در قالب روح جلوه کند او این مرد - یعنی امام صادق علیه السلام - است».

ابوالحارث الليث بن سعد (۹۴ - ۱۷۵) ۵

امام اهل مصر بود که شافعی او را فقیه تراز «مالک بن انس» می دانست. [۱۰].

[صفحه ۳۴۷]

او در رابطه با کرامات حضرت صادق علیه السلام چنین می گوید:

«حججت سنہ ثلث عشره و مأه. فلما صلیت العصر رقیت ابا قبیس و اذا برجل جالس یدعو، فقال (یارب) حتى انقطع نفسه ثم

قال: (اللهم يا حي) حتى انقطع نفسه. ثم قال: اللهم انى اشتھى العنب فأطعمني، اللهم و ان بردی قد خلقا فاكسنى. فو الله ما استتم کلامه حتى نظرت الى سله مملوه عنبا و ليس على الأرض يومئذ عنب و اذا ببردين موضوعين و لم أر مثلهما في الدنيا فاتزر بأحدهما و ارتدى بالآخر. ثم أخذ البردين اللذين كانا عليه فلقيه رجل بالمسعى فقال: أكسنى يا ابن بنت رسول الله صلی الله علیه و آله مما کساك الله فدفعها اليه. فقلت للذى أعطاه البردين من هذا قال: جعفر بن محمد عليه السلام» [11].

در سال ۱۱۳ به حج مشروف شدم. چون نماز عصر را خواندم بالای کوه «ابوقیس» رفتم در آنجا مردی را دیدم نشسته دعا می کند آنقدر (یارب) گفت که

نفسش قطع شد سپس چندان (اللهم يا حي) گفت تا نفسش برييد، سپس گفت: خدايا هوس انگور کرده ام به من انگور برسان خدايا لباس کهنه شده مرا پوشان. به خدا قسم هنوز کلامش تمام نشده بود که ظرفی پر از انگور در مقابلش ديدم در صورتی که آن موقع در روی زمين انگور نبود و دو قطعه پارچه که مثل آنها را در دنيا نديده بودم يكى را لنگ کرد و ديگرى را به شانه انداخت. سپس آن لباسی که قبلاداشت، با خود برداشت و راهى «مسعى» شد در آنجا مردى با او ملاقات کرد و گفت: اى پسر دختر پیامبر مرا با لباسی که خداوند تو را ارزانی داشته، پوشان آن دو پارچه را به وي داد و من از او پرسیدم اين شخص کیست؟ گفت: جعفر بن محمد عليه السلام.

[صفحه ۳۴۸]

عمرو بن ابى المقدام

می گويد: «كنت اذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت انه من سلاله النبيين» [۱۲].
«يعنى: هر گاه به محمد بن جعفر عليه السلام می نگریستم یقین پیدا می کردم که او از نسل پیغمبران است».

سفیان بن سعید الثوری (متوفی ۱۶۱ھ)

به گفته‌ی «ابن خلکان» سفیان در حدیث و علوم دیگر امام و پیشوای بوده و تمامی مردم - اهل سنت - به دیانت و ورع و زهد و وثاقت وی متفق هستند [۱۳] او که از اهل کوفه و مردمی صوفی و عامی بود، درباره‌ی امام صادق عليه السلام می گوید: «دخلت على جعفر بن محمد رضي الله عنه فقال لي: يا سفيان، اذا كثرت همومك فأكثر من لا-حول ولا-قوه الا بالله العلي العظيم. و اذا تداركت عليك النعم فأكثر من الحمد لله. و اذا ابطأ عنك الرزق فأكثر من الاستغفار» [۱۴].

«به خدمت جعفر بن محمد عليه السلام شرفیاب شدم به من فرمود: ای سفیان، هنگامی که حزن و اندوه دامنگیر تو شد، لا حول و لا قوه الا بالله العلي العظيم) را زياد بگو و اگر نعمت زياد برایت فراهم شد، ذکر (الحمد لله) را زياد کن و اگر روزیت به تأخیر افتاد زياد استغفار کن».

ابن حجر عسقلانی (۸۸۲ - ۷۳۳ھ)

در مورد امام جعفر صادق عليه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابيطالب» فقيه صدوق» [۱۵].

«جعفر بن محمد عليه السلام فقيه بسيار راستگو بود».

[صفحه ۳۴۹]

منصور دوانیقی دومین خلیفه‌ی عباسی

درباره‌ی او گفت:

«ان جعفر کان ممن قال الله فيه (ثم أورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا) و كان ممن اصطفاه الله و كان من السابقين في الخيرات و انه ليس من أهل بيت الا و فيهم محدث و ان جعفر بن محمد محدثنا اليوم» [۱۶].

«جعفر بن محمد (امام صادق عليه السلام) از کسانی است که خداوند درباره‌ی او فرموده: (سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده‌ی خود به میراث دادیم) او از کسانی است که خداوند او را برگزیده و در سبقت گیرنده‌گان در امور خیر است. در هر دوره از خاندان نبوت حتماً یک محدث باید باشد و جعفر بن محمد عليه السلام محدث زمان ما است».

«وقتی که با امام صحبت می‌کرد، می‌گفت: ای ابا عبدالله ما همیشه از دریای علم تو توشه بر می‌گیریم و به سوی تو می‌آئیم و چون نزدیکتر می‌شویم از کوری و بی بصیرتی خارج شده و تاریکیهای ما به نور تو روشن می‌گردد».

عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷)

تفسر، واعظ، محدث حافظ علامه عصر، و امام وقت خود، درباره‌ی امام چنین گفته:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین کان مشغولاً بالعباده عن حب الریاسه» [۱۷].

«جعفر بن محمد به دلیل اشتغال به عبادت، حب ریاست را در بوته‌ی فراموشی سپرد بود».

[صفحه ۳۵۰]

ابن حجر هیشمی (متوفی ۹۷۳)

مفتي حجاز و فقيه شافعى مؤلف «الصواعق المحرقة» چنین گويد:

«أفضلهم وأكملهم جعفر الصادق و من ثم كان خليفة (أى الباقي) و وصيه و نقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان و انتشر صيته في جميع البلدان روى عنه الأئمه الأكابر» [۱۸].

او در صواعق می نویسد: «أفضل و أكمل فرزندان امام باقر عليه السلام جعفر صادق است و لذا جانشین و وصی او بود مردم به اندازه ای از وی نقل علوم کردند که در تمام نقاط دنیا منتشر شده و شهرتش سرتاسر جهان را فرا گرفت».

و بزرگان ائمه‌ی مانند: «یحیی بن سعید؛ ابن جریح؛ مالک؛ سفیان بن ثوری؛ سفیان بن عینه؛ ابوحنیفه؛ شعبه و ایوب سجستانی» از او روایت کرده‌اند.

احمد بن عبدالله ابونعم (متوفی ۴۰۲ - ۵۳۴)

«ابونعیم» معروف به «حافظ اصفهانی» از اکابر و اعلام محدثین و از اعاظم ثقات حفاظ و مرجع استفاده‌ی بزرگان ایشان می‌باشد.

باشد. در حلیه الأولیاء، درباره‌ی امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

«جعفر بن محمد الامام الناطق ذوالزمام السابق ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق أقبل على العبادة والخضوع و آثر العزلة والخشوع و نهى عن الرئاسه و الجموع» [۱۹].

«یکی از آنها امام ناطق ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است که به عبادت و خشوع روی آورد و عزلت و کناره گیری را ترجیح داده و از ریاست و اجتماع دوری گزید».

[صفحه ۳۵۱]

عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ ه)

کنیه اش «ابو عثمان» لقبش «جاحظ» از مشاهیر ادب و فصحاء و بلغا بود. درباره‌ی امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

«جعفر بن محمد، الذى ملأ الدنيا علمه و فقهه و يقال: طن أبا حنيفة من تلامذته و كذلك سفيان الثورى، و حسبك بهما فى هذا الباب» [۲۰].

«جعفر بن محمد، آن کسی است که علم و فقهش دنیا را پر کرده است و گفته می شود که «ابوحنیفه» و همچنین «سفیان ثوری» از شاگردان او بودند و تلمذ این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است».

عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ ه)

مؤلف کتاب «مناهج التوسل فی مباحث الترسّل» می‌گوید:

«جعفر بن محمد، از دھم علی بابه العلماء، و اقتبس من مشکاه انواره الأصفیاء و کان یتكلّم بغوامض الأسرار و علوم الحقيقة و هو ابن سبع سنین» [۲۱].

«جعفر بن محمد کسی است که علماء و دانشمندان بر در خانه اش هجوم می آورند و نخبگان و برگزیدگان از مشکاه انوارش اقتباس می نمودند، او در حالی که هفت سال بیشتر از عمرش نگذشته بود، درباره‌ی غوامض اسرار و علوم حقیقی، صحبت می کرد».

کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفی ۶۲۵ ه)

از اکابر و رؤسای علمای شافعی که در فقه و اصول و حدیث و علم خلاف و ترسل و انشاء به دیگران تفوق داشته در کتاب «مطلوب المسؤول فی

[صفحه ۳۵۲]

مناقب آل الرسول» درباره ای امام صادق علیه السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد هو من علماء أهل البيت و ساداتهم ذو علوم جمه و عباده موفوره، و اوراد متواصله، و زهاده بينه و تلاوه كثيره يتبع معانى القرآن و يستخرج من بحره جواهره و يستتتج عجائبها و يقسم اوقاته على أنواع الطاعات بحيث يحاسب عليها نفسه، رؤيته تذكر بالآخره، و استماع كلامه يزهد في الدنيا و الاقداء بهديه يورث الجنه، نور قسماته شاهد انه من سلاله النبوه، و طهاره أفعاله تتصدع انه من ذريه الرساله، نقل عنه الحديث و استفاد منه العلم جماعه من أعيان الأمه و أعلامهم، مثل «يحيى بن سعيد الأنباري، و ابن جریح و مالک بن انس، و الثوری، و ابن عینه، و ایوب السجستانی و غيرهم» [۲۲].

«جعفر بن محمد از علمای اهل بیت و بزرگان آنها و دارای علوم بسیاری بود، عبادتش فراوان و اوراد و اذکار او دائم و زهد فوق العاده ای داشت و قرآن زیاد

تلاموت فرموده و در معانی آن تبع می نمود و از دریای عمیق کتاب الهی گوهرهای گرانبهائی استخراج می فرمود و عجائب آن را روشن می ساخت و اوقات خود را به انواع عبادت تقسیم کرده بود که به وسیله‌ی آن از نفس خود حساب می کشید قیافه‌ی او انسان را به یاد آخرت می انداخت و استماع کلامش انسان را در دنیا رو گردان می نمود. و پیروی از او موجب رفتن به بهشت می گردید و چهره‌ی نورانی او نشان می داد که او ذریه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مناقب و فضائل او قابل شمارش نبود و از او روایات فراوانی نقل شده و جمع کثیری از بزرگان امت مثل «یحیی بن سعید انصاری، ابن جریح، مالک بن انس، سفیان ثوری، ابن عینه و ایوب سجستانی» و غیر اینها از علوم او بهره‌ها بر گرفته‌اند».

[صفحه ۳۵۳]

احمد بن محمد ابن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱)

که از مشاهیر مورخین و قضات و از علمای نامی قرن هفتم هجری، مؤلف کتاب «وفیات الأعیان» بود درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ابو عبد الله جعفر بن محمد الباقر بن على زين العابدين بن الحسين بن على ابن ابيطالب (رضي الله عنهم) أجمعين، أحد الأئمه الاثني عشر على مذهب الامامیه و كان من سادات آل البيت و لقب بالصادق لصدقه و فضله أشهر من أن يذكر و كان تلميذه ابو موسى جابر بن حیان الصوفی الطرطوسی قد ألف كتابا يشتمل على ألف ورقه تتضمن رسائل جعفر الصادق و هي خمسماه رساله» [۲۳].

«او یکی از امامان دوازده گانه در مذهب امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خدادست و از آن جهت به او صادق می گفتند که

گفتارش صادق بود و فضل و بزرگواری او مشهورتر از آن است که بیان آید. «ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی» شاگرد او بود. «جابر بن حیان» کتابی تألیف کرده است مشتمل بر هزار ورق و پانصد رساله و این رساله‌ها از تعلیمات جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود».

محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ھ)

از فقهاء و محدثین اواسط قرن چهارم و مؤلف کتاب «روضه العقلاء و نزهه الفضلاء» می‌باشد. درباره‌ی امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

«کان من سادات أهل البيت فقهاء و علماء و فضلا يحتاج بحديثه. وقد اعتبرت حديث الثقا عنه فرأيت احاديث مستقيمة ليس فيها شيء يخالف الأثبات» [۲۴].

«از سادات و بزرگان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که فقهاء و علماء و فضلا به احادیث او استناد می‌کنند و احادیثی را که ثقات روات از وی روایت کرده‌اند، بررسی کردم و نتیجه این شد که چیزی روایت نکرده است که با روایات صحاح مخالفت داشته باشد».

[صفحه ۳۵۴]

محمد بن ادریس الحنظلی (ابوحاتم الرازی) (متوفی ۲۷۷ھ)

«ابوحاتم رازی» از اکابر علمای اهل سنت که در طبقه‌ی «بخاری» و نظائر وی بود و در فقه و اختلاف تابعین و صحابه تألفات زیادی دارد درباره‌ی امام صادق علیه السلام گفته:

«جعفر الصادق ثقة لا يسأل عن مثله» [۲۵].

«جعفر صادق موثق است و وثاقت او چنان ثابت و روشن است که درباره‌ی او سؤوال جایز نیست».

عبدالله بن اسعد الیافعی (۷۵۵ – ۶۹۸ھ)

در کتاب «مرآه الجنان و عبره اليقظان» می‌نویسد:

«الامام السيد الجليل، سلاله النبوه و معدن الفتوه، ابوعبدالله جعفر الصاقن علیه السلام و إنما لقب بالصادق لصدقه في مقالته و له كلام نفيس في علوم التوحيد وغيرها. وقد ألف تلميذه «جابر بن حيـان» الصوفي كتاباً يشتمل على ألف ورقه يتضمن رسائله و هي خمسماه رساله.. دفن بالبقيع في قبر قبه أبوه محمد الباقر، و جده زين العابدين و عم جده الحسن بن علي (رضوان الله عليهم أجمعين) وأكرم بذلك القبر و ما جمع من الأشراف الكرام أولى المناقب» [۲۶].

«امام و سید بزرگوار، سلاله‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و معدن جوانمردی ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق به علت

راستی و درستی گفتارش ملقب به «صادق» شده است و سخنان گهر باری در علوم توحید و غیر آن از وی بجا مانده است و شاگرد او «جابر بن حیان» صوفی کتاب تأثیف کرده است که مشتمل بر هزار ورق است و متضمن پانصد نامه از امام صادق علیه السلام می باشد و در

[صفحه ۳۵۵]

بقیع در جوار قبر پدرش و جدش زین العابدین و عمومی جدش حسن بن علی دفن شده است چه قبر با برکت و شرف و چه محل پاک و مقدس که مدفن اشراف بزرگوار و صاحبان مناقب

زیادی می باشد».

محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ - ۵۶۷)

از مشاهیر فقها و متکلمین اشعری و مؤلف کتاب معروف «الممل و النحل» نوشه:

«جعفر بن محمد الصادق هو ذو علم غزير و أدب كامل في الحكمه و زهد في الدنيا و ورع تام عن الشهوات و قد أقام بالمدينه مده يفيد الشيعه المنتدين اليه و يقبض على الموالين له اسرار العلوم، ثم دخل العراق و أقام بها مده، ما تعرض للإمامه قط، ولا نازع في الخلافه أحدا، و من غرق في بحر المعرفه لم يقع في شط و من تعلالى ذروه الحقيقه لم يخف من خط» [۲۷].

«دانش و آگاهی او در فرهنگ و مذهب فوق العاده زیاد بود او اطلاعات وسیعی در پیرامون مسائل حکمت داشت و از پرهیزگاری عظیمی برخوردار بود و از شهوات و هوسرانی ها پرهیز داشت او مدت زیادی در مدینه اقامت گردید و به شیعه که از او پیروی می کردند، بهره ای زیادی رسانید و دوستانش را از سرچشممه ای علوم غیبی بهره مند ساخت پس از آن رهسپار عراق شد و مدتی در آنجا اقامت گردید و با هیچ کس در امر امامت و خلافت به نزاع بر نخاست».

آری آن کس که به بالاترین قله ای حقیقت رسیده باشد، بیمی از فرو افتادن ندارد.

شاهین همت تو که عنقا شکار کرد

کی کبک بال بسته به صید اعتبار کرد

او از جانب پدر به شجره ای نبوت متصل بود و از جانب مادر به «ابوبکر» نسبت داشت.

[صفحه ۳۵۶]

محمد بن طاهر بن علی، المقدسی (متوفی ۵۰۷)

معروف به «ابن القيسرانی» ملقب به «شمس الدین» از اکابر محدثان اوائل قرن ششم مؤلف کتاب «الجمع بین رجال الصحيحين»

«جعفر بن محمد الصادق و هو ابن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب الهاشمی (رضی

الله عنهم) و يکنی ابوعبدالله و امه أم فروه بنت القاسم بن محمد ابن ابی بکر الصدیق کان من سادات أهل الیت، سمع اباه و محمد بن المکندر و عطاء ابن ابی رباح روی عنه عبدالوهاب الثقفی و حاتم بن اسماعیل، و وهب بن خالد، و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و الثوری والدار وردی و یحیی بن سعید الأنصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریح» [۲۸].

«جعفر بن محمد صادق، فرزند علی بن حسین بن علی ابن ابیطالب هاشمی (رضی الله عنهم) مکنی به «ابوعبدالله» مادرش «ام فَرَوَه» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق» بود از بزرگان اهل بیت است و از پدرش و «محمد بن مکندر و عطاء بن ابی رباح» استماع حدیث کرد و از او «عبدالوهاب ثقفی و حاتم بن اسماعیل و وهب بن خالد و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و سفیان ثوری و داروردی و یحیی بن سعید انصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریح» حدیث روایت کرده اند».

[صفحه ۳۵۷]

عطار نیشابوری (۶۲۷ - ۵۱۳)

«محمد بن ابراهیم» ملقب به «فریدالدین» معروف به «شیخ عطار» از اکابر و مشاهیر مشایخ صوفیه است و صاحب تأییفات زیاد از جمله «تذکره الأولیاء» است. وی در آغاز کتابش با وصف حال حضرت صادق علیه السلام به آن حسن مطلع بخشیده است و در وصف آن حضرت چنین می گوید:

«آن سلطان ملت مصطفوی؛ آن برهان حجت نبوی؛ آن عامل صدیق؛ آن عالم تحقیق؛ آن میوه دل اولیاء؛ آن جگر گوشه
ی انبیا؛ آن ناقد علی؛ آن وارث نبی؛ آن عارف عاشق؛ جعفر الصادق؛ که گفته بودیم که

اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم، کتابی جداگانه باید ساخت این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده است و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت، او بیشتر گفته است و روایت از وی بیشتر آمده است، کلمه‌ی چند از آن بیاوریم که ایشان همه یکی اند چون ذکر او کرده اند ذکر همه بود. نبینی قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند؟ یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی، اگر تنها صفت او گوییم به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود و قدوه‌ی جمله‌ی مشایخ بود و اعتماد همه بر وی بود و مقتداً مطلق بود هم الهیان را شیخ بود و هم محمدیان را امام و اهل ذوق را پیشرو، و هم اهل عشق را پیشوا و هم عباد را مقدم و هم زهاد را مکرم و هم صاحب تصنیف حقائق هم در لطائف تفسیر و اسرار تزیل بی نظیر بود و از باقر بسیار سخن نقل کرده است.

عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را، باید گفت به حقیقت و من آن نمی‌دانم که کسی در خیال باطل مانده است آن می‌دانم که هر که به محمد ایمان دارد و به فرزندان او ندارد، به محمد ایمان ندارد تا به حدی که «شافعی» در دوستی اهل بیت تا به حدی بوده که به رفضش نسبت کردند و

[صفحه ۳۵۸]

محبوس کردند و او در آن معنی شعری گفته است

و یک بیت آن این است:

لو کان رضا حب آل محمد (صلی الله علیه و آله)

فليشهد الشقلان إنى رافض [٢٩].

«اگر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله رفض به شمار آید، ثقلین - انس و جن - شاهد باشند که من راضی هستم».

عبدالرحمن بن خلدون (متوفی ٥٨٠ـ)

مورخ و جامعه شناس و فیلسوف اندلسی، مؤلف «مقدمه‌ی ابن خلدون» می‌گوید:

«و أعلم أن كتاب الجفر كان أصله ان هارون بن سعيد العجلی و هو رأس الزیدیه كان له كتاب يرویه عن جعفر الصادق عليه السلام و فيه علم ما سيق لأهل البيت عليهم السلام و على العموم و لبعض الأشخاص منهم على الخصوص وقع ذلك لجعفر و نظائره من رجالاتهم على طريق الكرامه و الكشف الذى يقع لمثلهم من الأولياء و كان مكتوبا عنه جعفر في جلد ثور صغير فرواه عنه هارون العجلی و كتبه و سماه الجفر باسم الجلد...» [٣٠].

«ابن خلدون درباره‌ی کتاب جفری که به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند، می‌گوید: هارون بن سعيد عجلی که رئیس زیدیه بود، کتابی داشت که آن را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است. در آن کتاب آنچه بر عموم اهل بیت و برخی از ایشان روی خواهد داد، نوشته شده بود. این علوم بر امام جعفر صادق علیه السلام و سایر امامان از راه کشف و کرامت که خاص ایشان است، حاصل شده است. این کتاب بر پوست گاوی نوشته شده بود و نزد امام جعفر صادق علیه السلام وجود داشت. هارون عجلی آن را از آن بزرگوار روایت کرده و از آن نسخه‌ای نوشته است».

[صفحه ٣٥٩]

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (٩٢٧ـ)

در شرح صلوات بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌نویسد:

«اللهم صل و سلم على الإمام السادس، المقرب السابق؛ المؤدب الموافق والمعيث للملهوفين عند الطوارق، الملتجى بحرز الله عند نزول كل طارق».

«بار خدایا درود و صلوات فرست بر امام ششم. نزدیک گردانیده شده به حضرت حق تعالی و پیشی گیرنده در اعمال نیک (و این اشاره بر

این که آن حضرت از مقربان حق تعالی و از سابقان است) او تربیت شده به آداب الهی است و آن حضرت فریدارس و یاری کننده ی ضعیفان و ناتوانان به هنگام نزول حوادث و بلیات است (و این اشاره است به رحم و عطوفت آن حضرت بر عاجزان چنانچه روایت کرده اند که هر کس را حادثه یا فقری در مدینه پیش آمدی، پناه به جوار لطف و احسان آن حضرت نمودی و از خوان کردم آن حضرت بهره ی وافی یافتی، چنانچه شیوه ی کریمه ی اهل بیت علیهم السلام بوده. پناه جوینده به حرز و حفظ الله ی به هنگام فرود آمدن هر بلا. (و این اشاره است به این که ابو جعفر دوائیقی قصد آن حضرت کرد و او پناه به حرز الهی برد و بر آن دشمن غدار غالب و فائق آمد) و حرز مشهور آن حضرت که به «حرز امام جعفر صادق عليه السلام» معروف است، اول آن این است: «ماشاء الله توجها الى الله، ما شاء الله تقربا الى الله ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله»

...».

«ابن روزبهان» بعد از نقل این فقره از آن حرز، می نویسد:

«و بحمد الله تعالى اين فقير ضعيف آن را ياد دارم و از اوراد فقير است که سالهاست بدان مواظبت می نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمد الله و حوله و قوته از شر اعداء مصون و محروم» .

«الذى بين الحق و الباطل فارق؛ حجه الله القائمه على كل زنديق و منافق؛ المعتصم بحول الله و قوته فى قتل كل خارجي مارق؛
المطلع على اسرار الغيوب بتعليم الله الخالق؛ العطوف على كل محبوب مصادق ابى

و عمله بالحقیق».

«آن حضرت جدا کنندهٔ حق از باطل است. او حجت خدا و برهان حق تعالی است که بر هر ملحد و منافق قائم شده است. آن حضرت چنگ زننده به حول و قوهٔ الهی در کشتن هر خارجی که از دین بیرون رفته.

(و این اشاره است بدانچه روایت کرده‌اند که نوبتی یکی از خوارج نزد «مهدی عباسی» غیبت آن حضرت کرد و با مهدی گفت که جعفر بن محمد داعیهٔ خروج دارد، نامه‌ها به اهل کوفه نوشته و با او بیعت کرده‌اند، مهدی گفت: تو در مقابل او این سخن می‌گوئی؟ گفت: بلی؛ و سوگند بر آن می‌خورم. «مهدی عباسی» امام را حاضر گردانید و آن خارجی را در مقابل آورد و خارجی در حضور امام آن تهمت را تکرار کرد. امام به او فرمود: سوگند می‌خوری که این سخن راست است؟ خارجی گفت: بلی؛! امام فرمود: بدان نوع که من سوگند می‌دهم تو را، سوگند یاد کن. فرمود: بگو از حول و قوهٔ حضرت حق سبحانه و تعالی بیرون آمدم و به حول و قوت خود رفتم اگر این سخن که می‌گوییم دروغ است، آن خارجی به همین عبارت سوگند یاد کرد فی الحال بیفتاد و به دوزخ رفت. «مهدی» دستور داد از پای مردار آن خارجی بکشیدند و بیرون بردند و از امام عذرخواهی کرد و او را روانه گردانید و چنین اثری غریب و کرامتی عجیب از آن حضرت ظاهر شد).

آن حضرت بر اسرار غیبی به تعلیم

خداوند آگاه است.

(و این اشاره است به اطلاع آن حضرت بر اسرار غیبی که ائمه‌ی هدی علیهم السلام هم به الهام و تعلیم الهی این علم را داشته‌اند چنانچه روایت کرده‌اند که یکی از محبان امام جعفر صادق علیه السلام گفت: من در بغداد بودم و «منصور» خلیفه‌ی عباسی قصد کرده بود که به حج برود. من به مکه آمدم به امام صادق علیه السلام عرض کردم که

[صفحه ۳۶۱]

منصور امسال قصد حج دارد آن حضرت فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند، چون موسم حج شد، منصور به عزم حج از بغداد بیرون آمد. من به امام جریان را عرض کردم فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند. چون به مدینه رسید، رفتم و دیگر بار تکرار کردم، همان سخن فرمود. چون از مدینه متوجه مکه شد، و نزدیک مکه رسید، مرا شکی پیدا شد چون به محل چاه میمون رسید که از آنجا تا مکه یک دو فرسخ است، شب در آنجا وفات کرد، صبح با عده‌ای به استقبال منصور رفتم و من درباره‌ی امام به تردید افتاده بودم. عده‌ای آمدند و خبر دادند که منصور دیشب فوت کرد. من بازگشتم و آن خبر را به اطلاع امام رسانید و درخواست کردم که برای من استغفار کند چون آن حضرت بر دستور تان خود رؤوف و مهربان بود جهت من استغفار نمود).

آن حضرت به غایت مهربان بود بر هر دوستی که مصادقت آن حضرت اختیار کرده بود.

(و این اشاره است بدانچه روایت کرده‌اند که آن حضرت شمل شیعه‌ی اهل بیت علیهم السلام را جمع فرمود و جهت ایشان مجلس درس دائز نمود و قبل از آن حضرت هرگز جماعت مواليان اهل بیت چنان نبوده‌اند که

در زمان آن حضرت ایشان را جمیع بوده).

کنیت آن حضرت «ابو عبدالله» است. و او از طرف خداوند صاحب گوش شنونده است.

و سرانجام در مدینه مسیحی منوره به درود حیات گفت و در قبرستان بقیع در کنار قبر عم بزر گوارش امام حسن علیہ السلام و جد و پدرش مدفون گردید و تمامی در یک قبه مدفونند.

اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الإمام السادس

[صفحه ۳۶۲]

جعفر الصادق علیه السلام [۳۱].

حافظ حسین کربلائی تبریزی (۵۹۹۴ م)

درباره ای امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ذکر الإمام الصادق الصدیق؛ العالم الوثیق الحلیم الشفیق؛ صاحب الشرف الرفیع و الحسب المنیع و الفضل الجمیع؛ المدفون بأرض البقیع؛ الإمام الممجد؛ ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهمماالسلام».

«وی امام ششم است از ائمه ای اثی عشر، کنیت وی ابو عبدالله است لقب مبارکش صادق و فاضل، ولادت همایونش سنه ثمانین بالمدینه ... وفات حضرت جعفر علیه السلام در منتصف رجب سنه ای ثمان و اربعین و مائه». .

«و دفن بالباقیع فی قبر فیه أبوه و جده و عم جده و أکرم بذلک القبر و ما جمع من الأشراف الکرام ... و له کلام نفیس فی علوم التوحید و غيرها و قد ألف تلمیذه «جابر بن حیان» کتابا یشتمل على ألف ورقه یتضمن رسائله و هی خمس مائه رساله، کذا فی تاریخ الیافعی».

وقال فی کتاب کشف المحبوب:

یکی از ائمه ای مشایخ از اهل بیت رسالت، سیف سنت و جمال طریقت و معبر اهل معرفت و مزین ارباب صفوه جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است علیهمماالسلام. عالی حال و نیکو سیرت و آراسته ظاهر و آبادان سریرت بود. وی را اشارت نیکوست در جمله ای علوم، و مشهور است در میان مشایخ به دقت کلام و قوت معانی.

و وی را کتب معروف است در میان اهل طریقت. از وی روایت کردند که گفت: «من عرف الله أعرض عما سواه» عارف معرض بود و منقطع از اسباب، از خلق گسسته و به دوست پیوسته، غیر از در دلش آن مقدار نباشد که بدو التفات کند».

[صفحه ۳۶۳]

و از آن حضرت خرق عادات و کرامت بسیار منقول است از آن جمله آن که از «حسین بن زید» مروی است که گفت: ابو عبدالله عليه السلام را گفتم: مرا خبر ده از آنچه خدای تعالی، «ابراهیم» عليه السلام را گفت (أو لم تؤمن قال: بلی و لکن لیطمیش قلبی) (بقره، ۲۶۰)

گفت: می خواهی که همان طور تو را نمایم؟

گفت: آری یا بن رسول الله.

آن حضرت آواز کرد که: یا باز یا غراب یا طاووس یا حمامه این مرغان را دیدم در پیش وی حاضر گشتند، پس آن حضرت کاردی بر گرفت و ایشان را ذبح کرد و بهم برآمیخت آنگه چهار جزء کرد، بعد از آن گفت: یا باز یا غراب یا طاووس، یا حمامه دیدم که بعضی از آن نزدیک بعضی شد تا همچون ماهیت اول گردیدند، آنگه گفت دیدی مثل آن که حضرت ابراهیم را روی نموده بود؟ گفت: بلی یا بن رسول الله ...

روایت کرده اند به اسناد از «احمد بن النصر» از «عبدالله بن ابی لیلی» که او گفت: ابو جعفر الدوانیق کس به نزد امام صادق عليه السلام فرستاده بود وی را بیاورند و مرا نیز طلبیده بود، و من اتفاقا پیش از آن حضرت نزد دوانیق حاضر شدم و او اضطراب می نمود و می گفت: تعجیل کنید و بیاورید وی را. خدا مرا بکشد اگر من

وی را نکشم. خدای زمین را از خون من سیراب کند اگر من زمین را از خون وی آب ندهم. من از حاجب پرسیدم که: وی چه کسی را می خواهد و این شدتش به واسطه‌ی کیست؟ گفت: جعفر بن محمد الصادق. در این سخن بودیم که مأمورین وی را درآوردند. وی لب مبارک خود را می جنبانید. پس چون ابو جعفر الدوانیق بدو نگریست گفت: مرحبا یا ابن عیی مرحبا یا ابن رسول الله. او را نزدیک به خود بر بالش خود بشاند آنگه طعام خواست و به دست خود الوان اطعمه پیش وی می نهاد. انواع نوازش به جای آورد و آن حضرت رخصت طلبیده به منزل خود باز گردانید. چون وی بیرون آمد، گفتم: فدای تو گردم این مرد قصد کشتن تو داشت و چون تو درآمدی لب می جنبانیدی، شک نکنم که دعا می خواندی، اگر صلاح باشد که آن را به من هم بیاموزید که من از محبان

[صفحه ۳۶۴]

خلاص شما هستم تا چون پیش ایشان شوم من نیز آن بخوانم که مبتلا شده ام به خدمت ایشان فرمود که: آری آن دعا این است:

«ما شاء الله: ما شاء الله؛ لا يأتي بالخير الا الله؛ ما شاء الله ما شاء الله لا يصرف السوء الا الله؛ و ما شاء الله ما شاء الله كل نعمه فمن الله؟
ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله العلي العظيم» [٣٢].

احمد بن یوسف القرمانی ابوالعباس (متوفی ۱۰۱۹)

مؤلف کتاب «اخبار الدول و آثار الاول» می گوید:

«نقل عنه من العلوم ما لم ينقل عن غيره و كان رأسا في الحديث. روى عنه يحيى بن سعيد و ابن جريج و مالك بن انس و الثوري و ابن عيينة

و ابوحنيفه و شعبه و ابوایوب السجستاني و غيرهم ... نقل ان كتاب الجفر الذى بال المغرب يتوارثه بنو عبدالمؤمن له و مناقبه كثيره » [٣٣].

آنقدر که از امام صادق علیه السلام نقل علم شده، از دیگران نشده است او در حدیث به منزله‌ی سر بود و از او «یحیی بن سعید و ابن جریح و مالک بن انس و سفیان ثوری و ابن عینه و ابوحنیفه و ابوایوب سجستانی» و غیر اینها روایت کرده‌اند. نقل است کتاب «الجفر» که در مغرب «بنو عبدالمؤمن» از همدیگر به ارث می‌برند، از آن حضرت است و مناقب او زیاد است»

[٣٦٥ صفحه]

حمل الدین الداودی

مے نو سد:

«جعفر الصادق له عمود الشرف و مناقبه متواتره بين الأنام، مشهوره بين الخاص و العام و قصده المنصور الдовانيقى بالقتل مراراً فعصمه الله» [٣٤].

«جعفر صادق ستون شرف و مناقبش به طور متواتر در میان مردم منتشر شده است چنان که خاص و عام از آن آگاه بودند. منصور چندین مرتبه تصمیم بر قتل او گرفت ولی خداوند او را حفظ کرد».

سید امیر علی هندی

«سید امیر علی» ضمن اشاره به گسترش علم در زمان امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ولا يفوتنا أن نشير إلى أن الذى ترجم تلك الحركة: هو حفيد على بن أبي طالب المسمى بالإمام الصادق و هو رجل رحب افق التفكير بعيد اغوار، ملم كل الالمام بعلوم عصره»، و يعتبر فى الواقع انه اول من اسس المدارس الفلسفية المشهوره فى الإسلام و لم يكن يحضر حلقاته العلميه او لئك الذين اصيروا مؤسسى المذاهب الفقهيه فحسب، بل كان يحضرها طلاب الفلسفه و المتكلسون من الانحاء القاصيه».

«شایان ذکر است که رهبری این حرکت فکری را که در حوزه‌ی علمی شکل گرفته بود، یکی از نواده‌های علی بن ابی طالب علیه السلام به نام امام جعفر صادق علیه السلام داشت. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بوده و با علوم عصر خود به خوبی تبحر و آشنائی داشت. او نخستین کسی بود که مدارس فلسفی مشهور در اسلام را تأسیس کرد.

در مجلس درس او، تنها کسی که بعدها مذاهب فقهی را تأسیس کردند، شرکت نمی‌کردند، بلکه فلاسفه و طلاب حکمت و دانش از مناطق دور دست در آن حاضر می‌شدند».

«حسن، بصیری»، مؤسس مکتب فلسفی «بصیره ۵» و «واصا بن عطا» مؤسس مذهب معتر لاه از شاگردان او بودند که

از زلال چشمہ ی دانش او سیراب

[صفحه ۳۶۶]

می شدند [۳۵].

ابوالضفر یوسف شمس الدین

معروف به «سبط ابن جوزی» (قز اوغلی)

«محمد بن یوسف» فقیه شافعی، نحوی، اصولی، ریاضی، منطقی، معروف به «خطیب جزری» درباره ی امام چنین می نویسد:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب و کنیته ابو اسماعیل و یلقب بالصادق و الطاهر و الفاضل، و أشهر القابه الصادق» [۳۶].

«جعفر بن محمد بن ... کنیه اش «ابو اسماعیل» و ملقب «صادق» و طاهر و فاضل و مشهورترین القابش «صادق» است» .

شیخ ابو عبدالرحمن السلمی (متوفی ۴۱۲ھ)

«محمد بن حسین بن محمد بن موسی» ، محدث بزرگ و یکی از حفاظ اهل سنت و صوفی مشرب مؤلف کتاب «تفسیر حقائق و طبقات مشایخ» درباره ی امام صادق علیه السلام می نویسد:

«ان الإمام جعفر الصادق فاق جمیع أقرانه و هو ذو علم غزیر فی الدین و زهد بالغ فی الدین، و ورع تام عن الشهوت و أدب كامل فی الحكمه» [۳۷].

«امام جعفر صادق علیه السلام بر تمام اقران خود برتری داشته و دارای دانش وسیعی در پیرامون مسائل دینی و زهد فراوان نسبت به مسائل دنیوی و ورع کامل در مقابل شهوت و ادب کامل در حکمت بود» .

[صفحه ۳۶۷]

احمد حسن الباقوری

صاحب کتاب «علی إمام الأئمه» درباره ی امام صادق علیه السلام می گوید:

«و أما أبو حنيفة و أصحابه أبو يوسف و محمد فقد اخذوا عن جعفر الصادق علیه السلام» [۳۸].

«اما ابوحنیفه و دو مصاحبیش ابو یوسف و محمد هر دو از جعفر صادق علیه السلام اخذ علم کرده اند» .

شهاب الدین محمد بن احمد الا بشی (متوفی ۸۵۰ھ)

مؤلف کتاب «المستطرف فی كل فن مستطرف» می گوید:

«حکی عن جعفر الصادق رضی الله عنه ان غلاما له وقف يصب الماء على يديه فوق الإبريق من يد الغلام في الطست، فطار الرشاش في وجهه فنظر جعفر إليه نظر مغضب، فقال: يا مولاي (والكافظمين الغيظ) قال: قد كظمت غيظي. قال (والاعفين عن الناس) قال: قد عفوت عنك. قال: (و الله يحب المحسنين) قال: إذهب فأنت حر لوجه الله تعالى» [٣٩].

«از جعفر صادق عليه السلام حکایت شده که آن حضرت غلامی داشت روزی این غلام ایستاده و بر دستهای آن حضرت آب می ریخت ناگهان آفتابه از دست غلام به تشت افتاد و آب تشت به صورت امام پاشیده شد، امام با حالت غضب به روی غلام نگاه کرد. غلام گفت: ای مولای من، خداوند در قرآن فرموده است: (مؤمنان کسانی هستند که غیظ خود را فرو می نشانند) امام

[صفحه ٣٦٨]

فرمود: غیظ خود را برو نشاندم. غلام گفت: (و از مردم عفو می کنند) امام فرمود: تو را عفو کردم. باز غلام است: (خداوند احسان کنندگان را دوست دارد) فرمود: برو تو در راه خدا آزادی».

محمد أمین البغدادی السویدی (متوفی اوائل قرن سیزدهم)

از فضلای بغداد مؤلف کتاب «سبائق الذهب في أنساب العرب» یا «فى معرفة قبائل العرب» درباره ای امام صادق عليه السلام می گوید:

«جعفر الصادق كان من بين اخوته خليفة أبيه و وصيه، نقل عنه من العلوم ما لم ينقل عن غيره و كان اماما في الحديث، مناقبه كثيره» [٤٠].

«امام صادق عليه السلام از میان برادران خود جانشین پدر و وصی او بود و علوم بسیاری از او نقل شده که از هیچ کس به آن درجه نقل نشده و در علم حدیث

پیشوای محدثین بوده و مناقب و فضائلش بسیار است».

عبدالحی بن العماد الحنبلی (متوفی ۱۰۸۹ھ)

صاحب کتاب «شدرات الذهب فی أخبار من ذهب» می نویسد:

«الإمام سلاله النبوه، ابو عبد الله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زین العابدین بن علی بن الحسین الهاشمی العلوی. وقد ألف تلمیذه جابر بن حیان الصوفی کتابا فی ألف ورقه يتضمن رسائله. و هی خمسماه هو عند الإمامیه من الإثنتی عشر بزعمهم.

قیل: إنه سأله أبا حنيفة عن محرم كسر رباعيه ظبی. فقال: لا أعرف جوابها.

فقال: أما تعلم أن الظبی لا يكون له رباعیه» [٤١].

[صفحه ٣٦٩]

«امام، سلاله ی نبوت، ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق ... هاشمی علوی که شاگردش جابر بن حیان کتابی تأليف کرده است در هزار ورق مشتمل بر پانصد رساله از امام صادق عليه السلام می باشد. او به گمان امامیه یکی از ائمه ی دوازده گانه است.

گفته شده آن حضرت از ابوحنیفه از حکم محرمی سؤال کرد که چهار دندان رباعی گوزنی را (که میان ثناها و انباب باشد) شکسته باشد.

ابوحنیفه گفت: جواب آن را نمی دانم. حضرت صادق عليه السلام فرمود: تو نمی دانی که گوزن دندان رباعی ندارد؟» .

عبدالرحمٰن الشرقاوی

در وصف امام صادق عليه السلام می نویسد:

«لم يجمع الناس على حب أحد في ذلك العصر كما اجمعوا على حب الإمام جعفر بن محمد الذي اشتهر فيهم بإسم جعفر الصادق. ذلك انه كان صافى النفس؛ واسع الأفق؛ متوقد الذهن؛ كبير القلب؛ حاد البصيرة؛ ضاحك السن؛ عذب الحديث؛ حلو المعاشر؛ سباقا إلى الخير؛ براء طاهر؛ وكان صادق الوعد و كان تقىا هو من العترة الطاهره عترة رسول الله صلى الله عليه و آله على وجهه شعاع من نور النبوه و هو مع انسغاله بكل ذلك - دعوه إلى الوحدانيه فالإسلام بالحكمه و الموعظه الحسنة.

كان يتحرى أحوال الناس و يحمل على كتفه جرابا فيه

طعام و مال فیوز عه علی اصحاب الحاجه دون آن یدع أحدا یعرف علی من یتصدق..» [۴۲].

«مردم عصر آن حضرت در محبت و دوستی مانند امام صادق علیه السلام توافق نداشتند و او در میان مردم به اسم «جعفر صادق» شهرت داشت زیرا ذاتش صاف، افق فکرش وسیع، ذهنش روشن، قلبش بزرگ، بینائیش حاد، - یعنی بسیار نازک بین - چهره اش خندان، و خوش

[صفحه ۳۷۰]

صحبت و خوش برخورد، و به کارهای خیر و نیکوکاری سبقت می جست پاکیزه و صادق الوعد و پرهیزگار و از عترت پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در چهره اش شعاعی از نور نبوت مشاهده می شد با وجود گرفتاری زیاد، مردم را به توحید و اسلام با حکمت و موقعه حسن فرامی خواند. او هرگز از حال مردم غافل نبود و همواره روی شانه‌ی خود کیسه‌ای پر از طعام و مال کرده و آن را حمل و در میان مستمندان توزیع می نمود بدون این که آنها را شناسائی کند.

مردم را از انتقام جوئی بر حذر می داشت و فضیلت عفو و گذشت را به آنها گوشزد می کرد و قول جدش رسول خدا را یادآور می شد که فرمود: «ما زاد عبد بالعفو الا عزا» در اثر عفو، عزت انسان زیاد می شود.

او در آسمان معرفت اوح می گرفت و در مشکلات علمی غور می نمود شخصیت والای او اشعار می داشت که او قویتر از خلیفه است زیرا کدام خلیفه و ملک در روی زمین در دوران حکومتش به مردم نفع و فائدہ رسانده است. پیوسته می فرمود: «من طلب الرئاسه هلک» هر کس در طلب

ریاست باشد، هلاک می شود. پیوسته ریاست او را طلب می کرد ولی او از ریاست گریزان بود».

شیخ یوسف بن اسماعیل النبهانی (١٣٥٠ - ١٢٦٥)

مؤلف کتاب «جامع کرامات الأولیاء» می نویسد:

«جعفر الصادق عليه السلام أحد أئمه ساداتنا آل البيت الكبار كان رضي الله عنه إذا احتاج إلى شيء قال: يا رباه، أنا محتاج إلى كذا. فما يستلزم دعاؤه الا و ذلك الشيء بجنبه موضوعا. قاله الشعراي» [٤٣].

«جعفر صادق یکی از ائمه اهل بیت کبار می باشد و هر گاه محتاج چیزی می شد می گفت: پروردگارا به فلان چیز احتیاج دارم و دعايش تمام نشه آنچه خواسته بود، در کنارش نهاده شده

[صفحه ۳۷۱]

بود. این مطلب را شعراي در «الواقع الأنوار» نوشته است» .

شیخ محمد بن علی بن زین العابدین مناوی قاهری شافعی (١٠٣١ - ٩٥٢)

ملقب به «عبدالرؤوف» مؤلف کتاب «كنوز الحقائق في حديث خير الخلق» می نویسد:

«من کراماته انه سعی به عند المنصور، فلما حج أحضر الساعي و أحضره وقال للساعي: اتحلف؟ قال له: نعم. فقال جعفر للمنصور: حلفه بما أراه فقال: حلفه، فقال: قل برأت من حول الله و قوته و النجات إلى حولي و قوتي، لقد فعل جعفر كذا و كذا. فامتنع الرجل، ثم حلف، فما تم حتى مات مكانه.

و منها: ان بعض البغاء قتل مولاه، فلم يزل ليلته يصلی، ثم دعا عليه عند السحر فسمعت الضجه بموته.

و منها: انه لما بلغه قول الحكم بن العباس الكلبي في عميه زيد:

صلبنا لكم زيدا على جذع نخله

ولم نر مهديا على الجذع يصلب

قال: اللهم سلط عليه كلبا من كلابك، فافتسره الأسد» [٤٤].

«از کرامات حضرت صادق عليه السلام یکی این است که مردی پیش منصور از آن حضرت سعایت کرده بود منصور که ضمن یک سفر حج به مدینه آمده بود، سخن چین و حضرت صادق را احضار کرد و به سخن چین گفت: آیا حاضری قسم بخوری؟ گفت: آری. حضرت صادق عليه السلام به منصور فرمود:

او را آن چنان که من می گویم، قسم بده. منصور گفت: خودت قسم بده. حضرت صادق علیه السلام به آن شخص سخن چین فرمود: بگو از حول و قوه‌ی الهی خارج و به حول و قوه‌ی خود متکی شدم بر اینکه جعفر بن محمد این چنین گفته است. آن شخص اول امتناع کرد، سپس

[صفحه ۳۷۲]

قسم خورد قسمش هنوز به پایان نرسیده بود که هلاک شد.

از جمله کرامات آن حضرت این است بعضی از ستمکاران غلام او را کشت حضرت طول شب را نماز خواند، سپس به هنگام سحر آن قاتل غلام را نفرین کرد، دعايش تمام نشده بود که آن شخص مرد.

دیگر اینکه چون سخن «حكم بن عباس کلبی» (شاعر بنی امیه) درباره‌ی عمویش زید، به گوش او رسید که گفته بود:

از خانواده‌ی شما زید را از شاخه‌ی درخت خرما، دار زدیم ما هر گز هیچ مهدی که بر شاخه‌ی درخت آویزان شود، ندیده بودیم. حضرت صادق علیه السلام فرمود: پروردگارا سگی از سگهایت را بر وی مسلط گردان. طولی نکشید که شیری او را از هم درید».

عبدالعزیز سید الأهل

صاحب کتاب «جعفر بن محمد الإمام الصادق» عضو المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية في القاهرة: درباره‌ی آن سلاله‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله چین آورده است:

«جعفر بن محمد غير أن كان أاماً مفخرة من مفاخر المسلمين لم تذهب، أو لم تطمس وإنما بقي منها في كل غد قادم - حتى القيامة - صوت صارخ من حروفها، يعلم الزهاد زهداً و يكسب العلماء علماً، يهدي المضطرب ويشجع المقتحم يهدد الظلم و يبني العدالة و هو ينادي المسلمين جميعاً أن هلموا و اجتمعوا» [۴۵].

«جعفر بن محمد افزوون بر آنچه

مقام امامت داشت، افتخاری از افتخارات مسلمانان بود او هرگز از میان نرفته، تباہ نشده است، بلکه فریاد او هر روز تا قیامت در گوش مسلمانان به صدا در می آید. زاهدان را زهد و عالمان را علم تعلیم می داد. مضطرب و آشفته را هدایت و شتاب

[صفحه ۳۷۳]

کننده را تشجیع و ترغیب می فرمود ظلم را ویران و عدالت را بنیاد می کرد او تمام مسلمانان را به وحدت و همبستگی دعوت می کرد»

«و قد عاش جعفر فی حیاه أبيه الباقر علیه السلام نحوا من ثلاثین سنة فتطبع بصفات أبيه زهدا و فضلا و محبه للعلم و ایثارا له علی الزهد و العباده و تعلم منه و من جده زین العابدين أن يطعم الطعام حتی لا يبقى لعياله كسره و ان يكسوا الثياب حتی لا تبقى لهم کسوه» [۴۶].

«حدود سی سال با پدرش امام باقر علیه السلام زندگی کرد و خود را با صفات نیکوی او آراست. از پدرش و جدش زین العابدین آموخت که فقرا را اطعام کند تا آنچا که لقمه نانی برای اهل و عیال خود باقی نماند و بر آنان لباس پوشاند تا آن حد که به عائله ای خود لباسی باقی نماند» .

«فلقب بالصادق و الفاضل و الظاهر و العالم و أشهرها الصادق. تلقیه بالصادق علی أفواه الناس جمیعا، لم یستثن أحد من أصحابه، أو خصوصه لم یلقبه به کان هناك إجماع تام لا خرق فيه، علی تلقیب جعفر بن محمد بالصادق و صار له فی الزمان کله علماء یعرف به.

إنما سمي بالصادق لأنه كان أكثر الناس صدقا و كان في صدقه خالص الصراحه لا يبالغ أحدا، من أهله أو من غير أهله متى

نطق بالحق و مع أنه لم يقل الا ما اعتقد انه الحق ولم يعمل الا ما رأه حقا فانه لم يقبل من أحد قوله، أو عملا الا و الصدق بين فيه» [۴۷].

«ملقب به صادق، فاضل، ظاهر، عالم و ... گردید که مشهورترین آنها «صادق» بود و در میان عموم مردم اعم از دوست و دشمن به «صادق» ملقب شده بود و این لقب برای او مورد اجماع و اتفاق قرار گرفته بود چنان که در میان تمام مسلمانان اجتماعی بود و کسی با این اجماع مخالف نبود.

[صفحه ۳۷۴]

اطلاق لقب صادق به آن حضرت به گونه ای بود که به نظر می آید صادق نام او است نه لقبش زیرا مردم برای وی نامی جز صادق نمی شناختند.

به این جهت «صادق» نامیده شده که در صدق گفتار کسی به پای او نمی رسید و در صدق چنان خالص و صریح که در اظهار حق از هیچ کسی پروا نداشت جز حق بر زبان جاری نمی ساخت و جز به آن به چیزی عمل نمی کرد و قول و عمل کسی را قبول نمی نمود مگر این که راست باشد صدق و راستی معیار و میزان او بود» .

«كان جعفر بن محمد اماما في كل العلوم [٤٨] وفي رحله لجابر بن حيان الى الكوفه كان اتصاله بجعفر فلزمـه تلميذا و صديقا و تلقـى عند هذه الصناعـه - الكيمـيا -» [٤٩].

«جعفر بن محمد در تمام رشته های علوم امام و پیشوای بود. جابر بن حیان در سفری به کوفه با جعفر بن محمد ملاقات نمود و به عنوان شاگرد و دوست ملازم آن حضرت شد و این فن - کیمیا - را از او

آموخت».

احمد عبدالجواد الدومنی

صاحب کتاب «الاتحافات الربانیه بشرح الشمائل المحمدیه» [۵۰] می نویسد:

«جعفر بن محمد لقب بالصادق لكمال صدقه ... كانت له مواعظ جليله و نصائح غاليه. قال يوماً لسفیان الثوری: إذا أنعت الله عليك بنعمه فاجبب بقائهما فأكثر من الحمد والشكر عليها وإذا استبطأت الرزق فأكثر من الاستغفار وإذا اكربك أمر من سلطان و غيره فأكثر من ذكر لا حول و قوه الا بالله فانها جناح الفرج و كنز من كنوز

[صفحه ۳۷۵]

الجهة» [۵۱].

«جعفر بن محمد به خاطر این که در صدق و راستی کامل بود، ملقب به «صادق» شده بود آن حضرت را مواعظ و نصائح گرانبهائی بود از آن جمله:

روزی به سفیان ثوری فرمود: وقتی خداوند نعمتی به تو ارزانی داشت، و تو علاقمند به بقای آن بودی، حمد و شکر خدا را زیاد به جای آور و اگر در روزیت تأخیری دیدی، زیاد استغفار کن و اگر امری از سلطان و غیره تو را ناراحت کرد، «لا حول و لا قوه ...» را زیاد بگو زیرا آن ذکر بال فرج و گنجی از گنجهای بهشت است».

صالح بن محمد الحجازی

«علم من أعلام الإسلام و سيد من سادات المسلمين ... فهو الإمام الذي اتفق المسلمين على اختلاف طوائفهم و تعداد مذاهبهم على امامته و ورعيه و تقاه و اثروا عليه و مدحوه و أحبوه لفضله و زهده و علمه و قرابته من الرسول فهو شريف النسب أبا و أما، فأبواه محمد الباقر عالم آل البيت في عصره و سيد بنى هاشم، و جده على زين العابدين بن الحسين بن على بن أبي طالب عليهما السلام.

تصدر للتدريس و نشر العلم فأخذ عنه خلق كثیر، فروى عنه سادة الأمة و

خيارها امثال سفيان الثورى و ابن عيئنه و سليمان بن بلال و ابن ابى حاتم و ابن حنيفة و مالك، و ابن جريح و شعبه و ولده موسى الكاظم. و احتج به سائر الأئمه ما عدى البخارى و وثقوه فقد قال ابن معين عنه: ثقه مأمون و قال ابن عدى: و هو من ثقاه الناس. قال فى التهذيب: و قال عمرو بن المقدام: كنت إذا نظرت إلى جعفر بن محمد علمت أنه من سلاله النبيين و اثنى عليه شيخ الإسلام ابن تيمية فى منهاج السنّة و قال عنه: انه من خيار أهل الفضل والدين و قال السخاوى: كان من سادات أهل البيت

[صفحة ٣٧٦]

فقها علما و فضلا و جودا يصلح للخلافه لسؤاله و فضله و علمه و شرفه ...

و كان فقيها سديداً الرى قال عنه ابو حنيفة: ما رأيت أفقه منه. و قال عنه مالك: اختلفت اليه زماناً فما كنت أراه الا مصليا او صائما او قائما و ما رأيته يحدث الا على طهاره» [٥٢].

«جعفر بن محمد، پیشوائی است از ائمه‌ی اسلام و بزرگی است از بزرگان مسلمین. او امامی است که تمامی طوائف و فرقه‌های مسلمین بر امامت و ورع و تقوای او اتفاق دارند و او را توثیق و مدح کرده و به خاطر فضل و زهد و علم و قربتش به رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دوست می‌دارند، نسبت او هم از طرف پدر و هم از طرف مادر شریف است پدرش محمد باقر عالم اهل بیت در عصر خود و بزرگ بنی هاشم و جدش زین العابدین فرزند حسین بن علی علیه السلام می‌باشد. اقدام به تدریس و نشر علم نمود.

جمع کثیری از او علم اخذ کردند و بزرگان و نیکان امت از قبیل: سفیان ثوری، ابن عینه، سلیمان بن بلال، و ابن ابی حازم و ابوحنیفه، مالک و ابن جریح و شعبه و فرزندش موسی کاظم، از او روایت حدیث کرده اند و سایر ائمه به جز بخاری، به روایت او استناد کرده و او را توثیق نموده اند. ابن معین درباره‌ی او گفته: موثق و مورد اعتماد است. ابن عدی گوید: او از موثقین مردم است در تهذیب التهذیب از عمرو بن مقدام نقل کرده که گوید: هر وقت به جعفر بن محمد نگاه می‌کردم می‌فهمیدم که او از سلاله‌ی پیامبران است. شیخ الإسلام ابن تیمیه در کتاب منهاج السنہ او را مدح کرده و گفته: او برگزیده‌ی اهل فضل و دین است. سخاوه‌ی می‌گوید: او از لحاظ فهم و علم و فضل وجود از بزرگان اهل بیت و به خاطر سیادت و فضل و علم و شرفش شایسته‌ی خلافت بود. او فقیه‌ی است دارای رأی محکم و ابوحنیفه درباره‌ی او گفت: کسی فقیه تراز وی ندیدم و مالک در حق او گفت: زمانی که به خدمت ایشان رفت و آمد داشتم، او را نمی‌دیدم مگر در حال نماز، یا روزه یا قیام او همواره با طهارت حدیث می‌فرمود».

[صفحه ۳۷۷]

احمد بن تیمیه الحرانی (متوفی ۷۲۸) (۵)

بنیانگذار مسلک و هابیت. مؤلف کتاب «منهاج السنہ النبویه فی نقد کلام الشیعه و القدریه» که در رد کتاب «منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه» ابن مطهر نوشته است، چنین می‌گوید:

«جعفر الصادق رضی الله عنہ من خیار اهل العلم و الدین» [۵۳].

«جعفر صادق رضی الله عنہ از برگزیدگاه اهل علم و

دین است».

یوسف بن تغزی بردی بن عبدالله الظاهری الحنفی ابو المحاسن جمال الدین (٨٧٤ - ٨١٣)

مؤلف کتاب «النجوم الراهره فی ملوك مصر و القاهرة» [۵۴] می گوید: «جعفر الصادق بن محمد الباقر عليه السلام السيد أبو عبدالله الهاشمي العلوى الحسيني المدنى؛ و كان يلقب بالصابر و الفاضل و الطاهر؛ و أشهر القابه الصادق. حدث عنه أبو حنيفة و ابن جريح و شعبه و السفيانان و مالك و غيرهم» [۵۵].

«ابو عبدالله جعفر صادق فرزند محمد باقر عليه السلام، امام، هاشمی علوی حسینی و مدنی به «صابر» و «فاضل» و «طاهر» ملقب بود که مشهورترین آنها «صادق» است و از او ابوحنیفه و ابن جریح و شعبه و سفیان ثوری و سفیان بن عینه و مالک و غیر اینها روایت کرده اند».

[صفحه ۳۷۸]

میر شمس الدین محمد سامی الارنبوی الرومی (متوفی ۱۳۲۲ھ)

مؤلف «قاموس الأعلام» ترکی در تاریخ جغرافیا و اسماء خاص در این باره چنین گفتہ:

«جعفر صادق فرزند محمد باقر بن زین العابدین بن حسین به علی بن ایطالب، ششمین امام از ائمه ی دوازده گانه است. مادرش «ام فروه» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر» می باشد و در سال ۸۲ در مدینه منوره تولد یافت او فرزند ارشد امام محمد باقر عليه السلام است او در نزد پدرش که در علم و فضل فرید زمان خود بود، تلمذ نمود و حوزه ی تدریس پدرش را ادامه داد و از او امام اعظم «ابوحنیفه» استفاده ها کرد. امام صادق عليه السلام ید طولانی در علم جفر و کیمیا داشت و از جمله کسانی که در محضر او تلمذ نموده، مؤسس علم کیمیا «جابر بن حیان» بود. او در زهد و تقوی و قناعت و حسن اخلاق نظیر نداشت و به راستی لقبش «صادق» نامیده شد. در سال ۱۴۸ در حالی که ۶۵ سال از عمرش می گذشت، در مدینه به

درود حیات گفت و در جوار جد و پدرش دفن گردید. صاحب ترجمه به امام مذهب شیعه و پیروانش «جعفری» معروف شدند [۵۶].

علی بن سلطان محمد الہروی القاری الحنفی (نورالدین) (متوفی ۱۰۱۴)

می گوید:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی المدنی المعروف بالصادق. امه «ام فَرَوَه» بنت «القاسم بن محمد بن ابی بکر» ... متفق علی امامته و جلالته» [۵۷].

«جعفر بن محمد صادق فرزند علی بن حسین بن علی بن ابی طالب هاشمی مدنی معروف به «صادق» که مادرش «ام فَرَوَه» دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر» بود. امامت و جلالتش مورد اتفاق همگان است».

[صفحه ۳۷۹]

خیرالدین الزركلی

مؤلف «الأعلام» قاموس تراجم (معاصر) می نویسد:

«جعفر الصادق أبو عبد الله جعفر بن محمد الباقر بن زین العابدين بن الحسين السبط الهاشمی القرشی، سادس الائمه الإثنی عشر عند الإمامی: . کان من أجل التابعين و له منزله رفیعه فی العلم أخذ عنه جماعه منهم: أبو حنیفه؛ مالک و جابر بن حیان و لقب بالصادق لأنه لم یعرف عنه الكذب قط، له اخبار مع الخلفاء من بنی العباس و کان جرئیاً علیهم صداعاً فی الحق و صنف تلمیذه جابر بن حیان کتاباً فی ألف ورقه یتضمن (رسائل الإمام جعفر الصادق) و هي خمس مأه رساله مولده و وفاته بالمدینه» [۵۸].

«جعفر صادق ابو عبد الله فرزند محمد باقر فرزند زین العابدين فرزند حسین سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله هاشمی و قرشی، ششمين امام از ائمه ای دوازده گانه نزد امامیه است. او از بزرگان تابعین بود و مقام بلندی در علم داشت جماعتی از او علم آموخته اند که از جمله ای آنها: ابو حنیفه، مالک، جابر بن حیان و ... ملقب به «صادق» است برای این که هرگز دروغی از او شنیده نشد. او را خلفای بنی عباس داستان هائی است و نسبت به آنها جری بود حق را آشکارا می گفت. شاگردش جابر بن حیان کتابی در

هزار ورقه تأليف کرد که متضمن رسائل امام جعفر صادق بود و آنها پانصد رساله بودند، تولد و وفات او مدینه بود».

سید مؤمن بن سید حسن مؤمن شبلنجی شافعی (متولد ۱۲۵۰ھ)

«شبلنجی» به قريه‌ی شبلنج از دهات مصر منسوب و از اکابر علمای عame در اوائل قرن چهاردهم هجری می‌باشد و کتاب «نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» که مکرر در قاهره چاپ شده از آن اوست.

[صفحه ۳۸۰]

وی درباره‌ی امام صادق علیه السلام می‌گوید:

«مناقب آن حضرت به قدری زیاد است که نمی‌شود آنها را به شمار آورد و در انواع مناقب او مردم باهوش و نویسنده‌گان زبردست دچار حیرت شده اند و «كان جعفر الصادق مستجاب الدعوه إذا سأله الله شيئا لا يتم قوله الا و هو بين يديه» [۵۹].

«او مستجاب الدعوه بود چنان که هر وقت از خدا چیزی می‌خواست، دعايش تمام نشده آنچه خواسته بود، در برابر حاضر بود».

محمد بن عبدالباقي زرقانی (متوفی ۱۱۲۲ھ)

از محدثین مالکی و به «خاتمه المحدثین» موصوف است و کتاب «المواهب اللدنیه فی شرح المنح المحمدیه» که به «شرح الموهاب» معروف است، از تأییفات او است.

«زرقانی» در جمله‌ی کوتاهی می‌گوید:

«جعفر بن محمد أبو عبدالله فقيه صدوق» [۶۰].

«ابو عبدالله جعفر بن محمد، فقيه و بسيار راستگو است».

عبدالله شبراوى قاهرى شافعی (متوفی ۱۱۷۲ھ)

در سال ۱۱۳۷ که جامع «ازهر» به طور رسمی به عنوان پایگاه مهم و مرکز علمی مذهبی درآمد، با وجود اکابر علماء شبراوى به ریاست آن مرکز برگزیده شد، کتاب «الاتحاف بحب الأشراف» از تأییفات اوست، او درباره‌ی امام

[صفحه ۳۸۱]

صادق علیه السلام می‌نویسد:

«السادس من الائمه جعفر الصادق ذو المناقب الكثيرة و الفضائل الشهيره روی عنه الحديث كثيرون مثل مالک بن انس و أبو

حنیفه و یحیی بن سعید و ابن جریح و الثوری. ولد رضی الله عنہ بالمدینہ المنورہ سنہ ثمانین من الهجرہ و غرر فضائلہ عن جبهات الأيام کاملہ و توفی رضی الله عنہ سنہ ۱۴۸ھ [۶۱].

«جعفر صادق علیہ السلام ششمین امام از ائمہ دارای مناقب زیاد و فضائل مشهور می باشد از او بسیاری از محدثین بزرگ از جمله: مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی بن سعید و ابن جریح و ثوری. حدیث نقل کرده اند. در سال ۸۰ هجری در مدینه متولد شد و فضائل درخشنانش بر پیشانی روزگار نقش بسته است. آن حضرت در سال ۱۴۸ فوت کرد».

محمد بن محمد بن علی، شافعی جزیری (متوفی ۵۸۳۳)

معروف به «ابن الجزری» عالم فاضل، محدث مورخ، متکلم، قاری متبحر از مشاهیر سده ی نهم. درباره امام صادق علیہ السلام می نویسد:

«جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی؛ أبوعبدالله الصادق المدنی أحد الأعلام حدث عن أبيه وجه و ابی امه القاسم بن محمد و عروه و عنہ خلق لا يحصون فمنهم ابنا موسی و شعبه و السفیانان قال الشافعی و ابن معین و أبوحاتم ثقة مات سنہ ۱۴۸ھ [۶۲].

«جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب، هاشمی، ابوعبدالله، صادق مدنی، یکی از اعلام بوده و

از پدرش و جدش و پدر مادرش قاسم بن محمد و عروه روایت کرده و از او جمعیت بی شماری از جمله دو پسر موسی و شعبه و دو سفیان روایت کرده اند. شافعی و ابن معین

[صفحه ۳۸۲]

و ابوحاتم گفته اند: جعفر بن محمد ثقه بوده و در سال ۱۴۸ فوت کرد».

دکتر احمد امین مصری (معاصر)

مؤلف «ظهر الإسلام» می نویسد:

«الإمام جعفر الصادق، فانه كان من أوسع الناس علما و اطلاعا، عاش من سنه ۸۳ إلى سنه ۱۴۸ هـ وقد لقب بالصادق لصدقه ...» [۶۳].

«امام جعفر صادق وسعت علم و اطلاعش در میان مردم بی نظیر بود. از سال ۸۳ تا سال ۱۴۸ هـ زندگی کرد و به خاطر صدقش به «صادق» ملقب بود».

السيد محمد صادق

استاد دانشکده ادبیات در دانشگاه «قاهره» می گوید:

«كان بيت جعفر الصادق كالجامعة يزدان على الدوام بالعلماء الكبار في الحديث والتفسير والحكم والكلام، فكان يحضر مجلس درسه في أغلب الأوقات ألفان و بعض الأحيان أربعه آلاف من العلماء المشهورين وقد ألف تلاميذه من جميع الأحاديث والدروس التي كانوا يتلقونها في مجلسه مجموعه من الكتب تعد بمثابة دائرة معارف للمذهب الشيعي أو الجعفري» [۶۴].

«بیت جعفر صادق مثل دانشگاه دائم از بزرگان علماء در رشته های مختلف علوم چون حدیث، تفسیر حکمت، کلام، پر بود و در مجلس درسش اغلب اوقات دو هزار نفر و گاهی چهار هزار نفر از علمای مشهور حاضر می شدند. شاگردانش تمام دروس و احادیث او را در مجموعه ای از کتب جمع آوری کرده اند که به مثابه ای دائرة المعارف برای مذهب شیعه یا مذهب

[صفحه ۳۸۳]

جعفری شمرده می شود».

بطرس بن بولس البستانی مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)

مؤلف دائرة المعارف که تمامی علوم متنوع را به ترتیب حروف هجی مشتمل است مؤلف در حیات خود از حرف «ألف» تا کلمه ای «تأبیط شرا» از حرف «ت» در شش مجلد بزرگ جمع کرد، پرسشن «سلیم» نیز تسمه ای آن را تا کلمه ای «روستجو» از

حرف «رأى» بی نقطه نوشته و «امین بستانی» و پسر دیگرش «نجیب» نیز تا کلمه ی «عثمانیه» نوشته اند و تا حال ۱۱ جلد بزرگ
بدین ترتیب از حرف «الف» تا حرف «ع، ث» تألیف گردیده و در بیروت چاپ شده است. این دانشمند مسیحی درباره ی امام
صادق علیه السلام نوشته است:

«جعفر الصادق و هو ابن محمد الباقر بن على زین العابدین كان من سادات أهل البيت و لقب بالصادق لصدقه، و فضله عظيم،
له مقالات في صناعات الكيمياء والزجر

و الفال و کان تلمیذه جابر بن حیان قد ألف کتابا یشتمل علی ألف ورقه تتضمن «رسائل الصادق» و هی خمسماه رساله، الیه ینسب کتاب الجفر. و کان جعفر ادیبا تقیا دینا حکیما فی سیرته» [۶۵].

«جعفر صادق پسر محمد باقر بن علی زین العابدین، از بزرگان اهل بیت است و به خاطر صدق و راستی اش، به «صادق» ملقب شده و از نظر فضیلت در بالا-ترین مراحل آن قرار داد و او را مقالاتی در علم کیمیا - شیمی - و زجر و فال است. شاگردش «جابر بن حیان» کتابی تأثیف نموده در حدود هزار ورقه که متضمن رسائل آن حضرت است. که آنها مجموعا پانصد رساله می باشد کتاب جفر نیز به او منسوب است. جعفر بن محمد در سیرت خود ادیبی پرهیزگار و دیندار حکیم بود».

[صفحه ۳۸۴]

دکتر کامل مصطفی شیبی (معاصر)

دکتر در فلسفه از دانشگاه کمبریج انگلستان و استاد دانشگاه «بغداد» و مؤلف کتاب «الصلة بین التصوف والتّشیع» درباره ای امام صادق علیه السلام می گوید:

«از تحقیق در احوال امام جعفر صادق روشن می شود که مردم به دلیل علم فراوانش و به سبب روی آوردن بسیاری از دانش پژوهان به سوی او و داشتن نسب شریف علوی، همه علوم و معارف زمانش را به وی نسبت داده اند و این عجیب نیست زیرا چنان که از این پیش دیدیم تمام علوم اسلامی منتهی می شود به جدش علی بن ایطالب علیه السلام از علومی که به وی نسبت داده شده است، گفتاری است درباره کیمیا و زجر و فال. همچنین کتاب جفری را که «ابن خلدون» از آن خبر داده است.

[۶۶]

«دکتر شیبی» در پایان می گوید:

«آنچه قابل ملاحظه است، آن

است که امام جعفر صادق علیه السلام استاد نخستین کسی بوده است که به کار کیمیا شهرت یافته است [٦٧].

پاورقی

[١] تهذیب التهذیب، ج ٢، ص ١٠٤.

[٢] المجالس السنیه، ج ٥ - التوسل و الوسیله ابن تیمیه، ص ٥٢.

[٣] تهذیب التهذیب، ج ١، ص ٨٨، طبع و بیروت.

[٤] صورتان متضادتان، ص ٩٦، طبع هند.

[٥] قاضی نعیم، شرح الاخبار دنباله ٤٢ الف م، س. ذهبي تذکرہ الحفاظ، ج ١، ص ١٦٦.

[٦] مناقب ابی حنیفه، للموفق، ج ١، ص ١٧٣ - جامع اسانید ابی حنیفه، ج ١، ص ٢٢٢ - تذکرہ الحفاظ ذهبي، ج ١، ص ١٥٧.

[٧] التحفه الاثنی عشریه، ص ٨.

[٨] جعفر بن محمد الامام الصادق علیه السلام ص ١١٠.

[٩] اسد حیدر، الامام الصادق، ج ١، ص ٥٤.

[١٠] وفيات الأعیان، ج ٣، ص ٢٨٠ - ٥٢١ ش ٢٨١ - تهذیب التهذیب، ج ٨، ص ٤٥٩ - صبح الأعشی، ج ٣، ص ٣٩٩.

[١١] جامع کرامات الأولیاء، ص ٥.

[١٢] تهذیب التهذیب، ج ٢، ص ١٠٤ - منهاج السنہ، ج ١، ص ١٢٤ - ابونعیم، حلیه الأولیاء، ج ١، ص ١٩٣.

[١٣] ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ٢، ص ١٢٧ - ش ٢٤٢.

[١٤] العقد الفريد، ج ٣، ص ٢٢١.

[١٥] تقریب التهذیب، ص ٦٨.

[١٦] المناقب، ج ٢، ص ٣٠٢.

[١٧] صفوه الصفوه، ج ٢، ص ٩٤.

[١٨] الصواعق المحرقة، ص ١٢٠.

[١٩] حلية الأولياء، ج ٣، ص ١٩٢.

[٢٠] رسائل الجاحظ، سندوبى، ص ١٠٦.

[٢١] مناهج التوسل، ص ١٠٦.

[٢٢] مطالب المسؤول، ج ١، ص ٥٥.

[٢٣] ابن خلكان، وفيات الأعيان، ج ١، ص ٢٩١ - ش ١٢٨.

[٢٤] تهذيب التهذيب، ج ٢، ص ٨٩.

[٢٥] جعفر بن محمد الامام الصادق، ص ٥٧.

[٢٦] مرآة الجنان، ج ١، ص ٣٠٤.

[٢٧] ملل و نحل،

ج ١، ص ٢٧٢، ط ٢ - ترجمه ج ١، ص ٢١٨.

[٢٨] الجمع بين رجال الصحيحين، ج ١، ص ٧٠.

[٢٩] عطار، تذكرة الأولياء، ج ١، ص ٢٢ - ٢١.

[٣٠] مقدمهٔ ابن خلدون، ص ٣٣٤.

[٣١] وسیله الخادم الى المخدوم، در شرح صلوات چهارده معصوم از ١٩٥ تا ٢٠٤.

[٣٢] روضات الجنان، ج ٢، ص ٤٠٢ - ٣٩٨.

[٣٣] اخبار الدول و آثار الاول.

[٣٤] عمده الطالب، به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ١، ص ٥٨.

[٣٥] مختصر تاريخ العرب، تعریف: عفیف البعلبکی، ط ٢، بیروت، دارالعلم للملايين، ص ١٩٣.

[٣٦] تذكرة الخواص، صص ٣٥١.

[٣٧] طبقات المشايخ الصوفیه.

[٣٨] على امام الأئمه، ص ٤٨.

[٣٩] المستطرف، ج ١، ص ١٩٣.

[٤٠] سبائک الذهب.

[٤١] شدرات الذهب، ج ١، ص ٢٢٠.

[٤٢] جريده الأهرام المصريه، ص ١٠، ١٨ / ٨ / ١٩٧٨.

[٤٣] جامع کرامات الأولياء ج ٢، ص ٤.

[٤٤] جامع کرامات الأولياء، ج ٢، ص ٥.

[٤٥] جعفر بن محمد الإمام الصادق عليه السلام، ص ٦.

[٤٦] جعفر بن محمد الإمام الصادق عليه السلام، ص ٢٧.

[٤٧] همان مدرک، ص ٤٠.

[٤٨] جعفر بن محمد الإمام الصادق، ص ٤٨.

[٤٩] همان مدرک، ص ٤٩.

[٥٠] طبع مصر، سال ١٣٨١ - چاپ الاتقمامه.

[٥١] الاتحافات الربانية، ص ١٤١.

[٥٢] الوحدة الإسلامية، محمد سعيد آل ثابت، چاپ اول، ١٣٨١، مطبعه العزى الحديثه فى مجله رأيه الإسلام، تصدر فى الرياض، شمارى ٧، ص ٤٦.

[٥٣] منهاج السنّه، ج ٢، ص ١٢٣، طبع مصر، ١٣٢١ هـ ق.

[٥٤] الضوء اللامع، ج ١٠، ص ٣٠٥ - شدرات الذهب، ج ٧، ص ٣١٧ - كشف الظنون، ج ٢، ص ١٩٣٢.

[٥٥] النجوم الزاهره، ج ٢، ص ٨.

[٥٦] قاموس الأعلام، تأليف شمس الدين سامي، ج ٣، ص ١٨٢١، استانبول به زبان تركى استانبولي.

[٥٧] شرح الشفا، على قارى، ج

[۵۸] الأعلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

[۵۹] نور الأبصار، بنا به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۰.

[۶۰] شرح المواهب، ج ۱، ص ۵۱.

[۶۱] الاتحاف بحب الأشراف، ص ۵۴.

[۶۲] الخلاصه، ص ۷۶.

[۶۳] ظهر الإسلام، ج ۴، ص ۱۱۴.

[۶۴] به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۲.

[۶۵] دائرة المعارف، ج ۶، ص ۴۶۸.

[۶۶] مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۳۳۴.

[۶۷] شبیی، مصطفی کامل، همبستگی میان تصوف و تشیع، ص ۱۸۹ - ۹۰، ترجمه‌ی دکتر علی اکبر شبهانی.

بسمه تعالیٰ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سرہ الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسريع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر بنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب نقلین (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر بنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده‌ی نویسنده‌ی آن می‌باشد.

فعالیت‌های موسسه:

۱. چاپ و نشر کتاب، جزو و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه‌های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماكن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌ساز، موبایل‌ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

۹. برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره‌های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه:

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان.

در پایان:

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقليد و همچنین سازمان‌ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعةه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

